

# خلاصه‌ای از وقفا نامه مسجد میر عمار و فرمانهای

## سلطین که در آن باقی مانده است

از جناب آقا سید حسین شهشهانی

در دوره حکمرانی جهانشاه قره قوینلو (۸۴۱-۸۷۴) این تاریخی

مهمی بشرح زیر بنا شده است :

۱- مسجد کبود تبریز در سال ۸۷۰ که در اثر زلزله فعلاً بصورت خرابه ای افتاده است. این مسجد و بیوتات و متعلقات آن از قبیل خانقه، صحن، حوضخانه و کتابخانه دارای اهمیت و شایان توجه است.<sup>۱</sup>

۲- از این تاریخی آن زمان سردراصلی در محوطه شمالی «درب امام» اصفهان است که در سال ۸۵۷ با کاشی‌های معرق وزیبا ساخته شده و کتبیه آن نیز با کاشی معرق بخط نسل بزبان فارسی است. و از آن چنین بر می‌آید که در زمان سلطنت جهانشاه و ایالت ابوالفتح محمدی ساخته شده است.

۳- مسجد میر عمار یا مسجد میدان واقع در کاشان که در سال ۸۶۸ بدست امیر عمار الدوله والدین محمود شیروانی بنا گردیده و در سال ۸۷۷ به موجب طومار مفصلی موقوفات مسجد و متعلقات آنرا تعیین کرده است. در دی ماه ۱۳۳۵ اصل وقفا نامه در یکی از خانواده‌های ساکن طهران ملاحظه و عکس برداری شد که اینک بنظر علاقه‌مندان میرسد. به موجب کتبیه سر در فعالی مسجد مسلم است که بنای مسجد در زمان سلطنت ابوالمظفر جهانشاه قره قوینلو بوده است. در مجموعه ناصری چنین آمده است : مسجد عماری در زمان جهانشاه که ازو زراء او بوده و هنگام مراجعت از زیارت بیت الله این مسجد را در مقابل میدان بنا نهاده است.<sup>۲</sup> صاحب مرآت البلدان

(۱) تاریخ و چغرا فی تبریز تالیف نادر میرزا صفحات ۷۸ و ۷۹ . راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی نگارش آقا سید عیل دیباچ از صفحه ۱۶ - ۲۱ .

(۲) مجموعه ناصری جلد اول برک ۱۴۳ . این کتاب فعلاً در کتابخانه وزارت دارائی است .

مینویسد: مسجد عمامدی از بناهای خواجہ عمام الدین است مشتمل برایوان  
زمستانی و تابستانی و گنبد بزرگ و شبستان بزرگ زمستانی و تابستانی و  
صحن و حیاط وسیع و حوض آب و حوضخانه جداگانه، منبر و محراب  
کاشی.<sup>۱</sup> عبدالرحیم ضرایبی صاحب تاریخ کاشان می‌نویسد: یکی دیگر  
از بناهای مرتفعه منيعة کاشان مسجد عمامدی است که همواره محل اقامت نماز  
جمعه و جماعت است و آنرا در زمان جهانشاه قره قوینلو، خواجہ عمام الدین  
محمود در مقابل میدان سنگ با گچ و آجر و کاشی معرق بوضع خیلی خوب در  
کمال امتیاز و استحکام بنا نموده است.<sup>۲</sup> این مسجد که اینک مسجد میدان  
نامیده میشود در یازدهم دی ماه ۱۳۱۰ بشماره ۱۱۷ جزء آثار ملی ثبت  
رسیده است.

اینک خلاصه‌ای از طومار مفصل از نظر علاقه مندان می‌کند، و سپس  
اصل چهار فقره و قفنه از میان مسجد جامع و حمام و خانقاہ متصل به مسجد  
و عمارت وقت و ساعات درج میگردد و در پایان وقفنامه فرامین جهانشاه قره  
قوینلو و سلاطین صفویه که در کتبیه‌های مسجد و بنستک منقول است و شامل  
جهات تاریخی است باطل از میرسد.

### خلاصه طومار و قفنه و ظهر آن

- ۱ - وقفنامه مورخ ۲۳ ربیع المرجب ۸۷۷ قمری راجع به مسجد و  
حمام و دو سهم از ۸۸ سهم قنات اسفید آباد قریه فین و ۱۸ در در کان عصاری، صبا غی  
نعلبندی، خباری، علافی، دلالی، آماج خانه و آماجدانی.
- ۲ - وقف نامه مورخ ۸ شعبان المظوم ۸۷۷ قمری راجع به بمقبضه  
معموره است که مساحت آن ۱۴ ذراع، بذراع ده قان است بر مسجد، جامع.
- ۳ - وقف نامه مورخ ۱۲ رمضان المبارک ۸۷۷ راجع بنصف مساع از  
عصارخانه محدوده به بقعة شش تن و مدرسه خان و سرای سید نظام الدین و  
شارع و ۱۴ شبانه روز از ۱۶ شبانه روز آب قنات و ادارضی مدعوه به،  
دولت اباد بر مسجد جامع مذکور و خانقاہ متصل به مسجد.

(۱) مرآت البلدان ناصری صفحه ۱۱۶

(۲) تاریخ کاشان عبدالرحیم ضرایبی صفحه ۲۹۱

۶-وقف نامه مورخه ۱۵ ذیقده الحرام ۸۷۷ قمری درباره خاتقاو  
عمارت وقت و ساعات و رقبات موقوفه و نصف تمام از قنات مزرعه نصر آباد و  
وشبانه روز از ۲۷ شبانه روز قنات مهندب آباد و ۲۴ قطعه زمین واقع در  
مزرعه مهندب آباد به ذراع دهستان که جمعاً ۱۱ جریب می باشد و بقیه دکاری  
واقعه در میدان جدید در جنب عمارت وقت و ساعت و طاحونه واقعه نزدیک  
فین که واقف احداث نموده و ۲ شبانه روز از ۲۷ شبانه روز آب قنات  
مهندب آباد.



الحال على ما يصح به عند الوفاة  
أو في حكم الميت والغير وفي  
الشرط أصله لا يكتفى  
الحادية والعشرية فضلاً عن العقوبة  
الإلهي على العبد الذي يحيى الموتى  
الله عز وجل يحيى الموتى

وَالْمُعَذِّبِينَ حَمَلَ كُلَّ سَائِلٍ فَقَارَ عَوْنَاقَهُ فَرَوَى شَاهِنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ هَارُونَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ عَمَّارِ بْنِ حَاجَسِ

**لِمَنْ يَعْرِفُ بِهِ مِنْكُمْ وَالظَّاهِرُ كُلُّهُ أَنَّهُ لَكُمْ وَأَنَّهُ الظَّاهِرُ لِمَا فِي الْأَرْضِ إِذَا  
كَانَتْ أَنَّهُ لَكُمْ وَأَنَّهُ الظَّاهِرُ لِمَا فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ أَنَّهُ لَكُمْ وَأَنَّهُ الظَّاهِرُ لِمَا فِي الْأَرْضِ**

كما لم يرتكب الشخص بمحض دلائله بغير ما أدى إليه من العدالة إدارياً أو انتهاكاً

اپنائی و فناہ

سجّل ابوعبدالله علی بن هبۃالله بقلم درشت تر دیده میشود

## [وقف نامه مسجد میدان (میر عمامد) در کاشان]

[بتاریخ ۲۲ ربیع ثانی ۸۷۷ قمری]

[سجل ابو عبدالله علی بن هبة الله بن علی]

[متن وقف نامه]

الله ولی التوفیق

الحمد لله الذي اخيى قلوب العارفين بعياض المودة والعرفان واروى  
ارواح المشتاقين بزلال الكشف والبيان واجرى بكمال قدرته في اودية  
صدورهم عيون الحكمة والايقان او لئك الذين كتب في قلوبهم اليمان و  
الصلوة والسلام على النبي المبعوث باسطع دليل واوضح برهان محمد الناصح  
بشير عته القاهره سائر الملل والاديان وعلى آله وصحبه كل حين وآن .

وبعد فان التقرب الصادر عن الواقع الواقع من الحق على الاسرار  
والموافق الفائق من البر بالبر اعلى منازل الابرار المذكور في الزبر هذا الاذال  
عماد عمره قائمًا وطرف الحوادث عنه نائمًا واضح وصح عندى بصرى يعتراف  
بجميع ما عزى اليه فيه وانى ... الشرعيه حكمت بصححة ذلك كله وشهدت  
عليه من ارتدى برداء التقى والعدل ... واكتسى بكسوة الصدق في المقاله  
بسؤال شرعى كتبه المفتقر الى الله الصمد الغنى ابو عبد الله علی بن هبة الله بن علی  
في خمس وثلاثين .

الحمد لله الواقع على سراير الضماير الواقعين بنبيه و تيرة الواقعين  
هو الذي وفق من له اماره الدوله السرمديه والسعادة الابديه لعمارة بيته  
السنیه بما هو ... المسلمين و عماد الدين والصلوات التامات النامیات والتحيات  
الکاملات السامیات على محمد المحمود الموعود بالقام المحمود والحضور  
المورود يوم الدين وآل الطاهرين والائمه المطهرين بعين التوحيد واليقین  
واصحابه السالکین سنن سنة امام المرسلین باقامة الجمعة والجماعات للراکعین  
والساجدين با رکع و سجدة ساجد لرب العالمین .

حمدی که لسان واقفان موافق قدس وثنائی که بيان معتکفان مساجد

انس با قامة عشر عشري از معاشر آن عاجز باشد تحفه در گاه بارگاه  
پادشاهی که با مر جرم «و اقم الصلوة طرفی النهار و لفامن الليل» قامت گردن  
کشانرا بر کوع با خشوع منحنی گردانید و سهو و نسیان ایشان را بسجودی  
بالعلم باذان «ان الحسنات يذهبن السيئات» بحسنات مبدل ساخت فحمد الله ثم  
حمد الله على ما كسانارداء الكرم و شكر الله ثم شكر الله على ما هدانا شكر النعم  
وصلوات ذاکیات که متطره ان مستقر ان در آناء الليل واطراف النهار  
وتحيات طاهرات که جالسان محراب شهد از تذکار آن قاصر آیند نشار و روضه  
مقده منوره سيد المرسلين المتكلم بحديث «الصلوة عماد الدين» محمود محمد  
بنته العاملین العالمین واهل بيت طیین که ائمه مؤمنین و اصحاب که هادین  
مامومیتند بادالی یوم النجاد وبعد بر رأی رذین ارباب دین و دولت و فکر متنین  
اصحاب ملک وملت مخفی نیست که این دارفنا محل بقا و مکان قرار نیست  
الا انما الدنيا کمنزل را کب اراح عشیا و هو في الصبح راحل  
وازاين چرخ دولابی هیچ مرد مجرد کاسه آبی تصرف ننمود تا در را با آتش اندر و ن  
حام صفت دود بر سر پیرون نرفت و ازاين دکان هیچ استادی نوشی نخورد تا  
نهی مبتلا نگشت .

کس عسل بی نیش ازاين دکان نخورد  
کس رطب بی خار ازاين بستان نچید  
بی تکلف هر که دل بروی نهاد

چون ندیدی خصم خود می زد مزید

بس آن صاحب دولت گوی سعادت ازاين میدان ربود که از سر صدق  
و ايمان كامل و اعتقاد شامل از مال حلال حالصالوجه ذی الجلال کما قال الکريم  
المتعال انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الاخر در اين خرابه دنيه دنيا  
بنتی معمور ساخت که قصری بی قصور بلکه چهل قصور بی کسور دردار المعمور  
موفود السرور دیافت کما قال النبي صل الله عليه وسلم من بنی الله مسجداً اعضاه  
الله لکل ذراع اربعین قصراء في الجنة  
او را که بود طالع فرخنده فیروز

آباد کند خانه فردای خود امروز  
لا جرم چون واقف ومطلع گشت بالهمام ربانی و تأیید سبعهانی و نوید

رحمانی عالیجناب امارات مآب سعادت انتساب وزارت مناب حشمت مثاب  
مؤسس قواعد الخيرات مؤطر مبنای المبرات مفخر الاماجد الكرام وملجاء  
الامائل العظام ملاذ الصدور الفخام واحد في الكرم غرة في العالم ينابع  
العواطف يتغير من انامله ورياض السخا تضحك من امطار سحاب فواضله  
ماثر خيراته الجزيلاه وآثار مبراته الجليله في الاصفاع يفيض ويستفيض يهتز  
عند الاطراف كالغضن ويشت عن الشدائيد كالركن وما احسن فيه ما قال المادح  
لمدوح بالسنة العباد

سألت الندى هل انت حر فقاتل لا  
و لكتنى عبدالا مير عماد  
فقلت شرى قال لا بل وراثة  
يوارتنى من والد بعد والد  
سخى باذل عادل يگانه دوران  
كه هشت منبع الطاف خالق معبد  
امير اعظم اكرم عماد دولت و دين  
كه باد عاقبتش همچو نام او محمود  
امر فرمود بینای و احداث معبدی که رشك روضه رضوان است و  
مصلی ارباب ایمان با ایقان است  
فضاء آن بمثل همچو روضه رضوان  
هوای آن بصفت چون نسیم جان پرورد  
صبا نمود بخاکش طراوت طوبی  
هوا سرشت در آبش حلاوت گوئر  
در خطبه شریفه ومدینه طبیه کاشان حفظها الله تعالى عماشان والحمد لله  
علی اتمامه فی احسن الزمان و بصنعه جعلته مسجداً لله المنان مسجد جامع  
گردانید و باقامه جمعه وجماعات وصلوات خمس و بتلاوة کلام رحمن معمور  
ومزین و محلی ساخت وبیامن انفاس شریفه علماء وخطبها وفضلها وتعليم وتعلم  
مشرف ومنور گشت.

بساخت مسجد جامع عماد دولت و دین  
شهر شاه ولايت برای روز جزا

## زساکنان حرم این دا رسید بگوش

لقد تقبل منه تقبلاً حسناً

ودراشرف ازمان واعز احیان جناب امارات دثار معدلات شعار امیر عمارد.  
الدوله والدین محمود المشار اليه ابن الامير الاعظم ذى الجود والكرمه  
الحب السامي والنسب العالى مل جاء الامراء فى اواته و ملاد الصدور فى  
زمانه الواضل الى رحمت الله الولى امير عین الدوله والدین شبلی الشروانى  
وفقه الله تعالى لاتمام مبانى الخيرات العظام ووصلهم الى اعلى الدرجات و  
وقف فرمود وتصدق نمود خالصاً لوجه الله وطلباً لمرضاته ونبلاً لمثواباته  
آنچه حق صريح وملك طلق جنات المشار اليه امير عمار الدوله والدین محمود  
بود تا اليوم ودر تحت تصرف مالكانه او بي سعى مانعى و زحر زاجری كما  
دللت عليه الحجج الناطقات و البينات المعدلات المزكيات و تعرفه النافذ و  
احدائه الصحيح الشرعي الحالى عن المفسدات العارى عن المبطلات

وآن جميع حمامی است مشهور بحمام امير عمار . الدین محمود مزبور واقع در  
ميدان جدید واقف مذکور خارج درب سوق من دروب مدینه کاشان مستغنى  
از تحدید و توصیف لغايت شهره ونهایت التعریف با جمیع لواحق و مضافات  
و منسوبات و بیوتات خاشاک و ملحقات و منضمات و سایر ضمایم مذکور او غیر  
مذکور و جمیع مجری و ممردو سهم از هشتاد و هشت سهم که مجموع آن يك  
شبانروز است از جمله چهارده شبانروز که مجموع سهام و شبانروزات قنات  
اسفیداب قریه فین است من قری مدینه مزبوره مستغنى از حدود شهر تها  
لغایت الاشتئار با جمیع توابع ولو احق و مضافات و آبار و جد اول و سواقي  
وما يتعلّق بها شرعاً و جمیع يك در دکان مبنیه برسم عصاری محدود بـ درب  
سوق و شارع و بميدان جدید و بسور و خندق قديم وبخان مرحوم السعید خواجه  
ابوسعيد واقعه در بلدة مذکوره با جمیع توابع ولو احق و آلات و اسباب و  
سائز ضمایم و ملحقات و ما يتعلّق بها شرعاً و جمیع سه در دکان مبنیه برسم  
صباغی متصله يكديگر و جمیع دور در دکان مبنیه برسم نعلبندی معروفاً و جمیع  
يك در دکان مبنی برسم آماج خانه که مجموع این دکاکین متصله اند يكديگر  
محدودات اند بميدان جدید جناب المشار اليه و بمسجد و مصروف و بسور و خندق  
قديم و بباب مسجد مزبور فيه با جمیع توابع ولو احق و مضافات و منسوبات و  
ما يتعلّق بها شرعاً و جمیع چهار در دکان مبنیین برسم نعلبندی متصلات و

جمیع دو دردکان متصلین مبنیتین برسم خبازی که مجموع آن دکاکین سته  
 محدوده اند بباب مسجد مزبور و بمیدان جدید و بمقدیر درویش راه خدامعروفا  
 و بمسجد مذکور با جمیع توابع ولو احق و مضافات و منسوبات و ملحقات و سائر  
 خمائیم وما يتعلق بها و جمیع دو دردکان برسم صباغی و جمیع يك دردکان برسم  
 علافی که مجموع متصله اند يكديگر محدوده اند بمیدان جدید و بباب حمام  
 مزبور و بحمام و بشارع و جمیع يك دردکان برسم آماجداری معروف و جمیع يك  
 در دکان برسم دلایی که مجموع متصله اند يكديگر محدود بمیدان جدید بباب  
 مشارالیه و بباب حمام مذکور و باغچه حمام ازدواج جانب و جمیع باجچه جدیده  
 محاط علیها محدود بمسجد مزبور و بشارع و خندق قدیم و بمقدیر و شارع و  
 سفایه صاحب اعظم خواجه معین الدین احمد و مقبره درویش راه خدامعروفا  
 با جمیع توابع ولو احق و مضافات و منسوبات و ملحقات دکاکین مزبورات و  
 باجچه مزبوره وما يتعلق بذلك کله علی وجه الشرع الشریف والدین المتفیف  
 علی شارعه افضل السنوات الزائیات و اکمل التحیات الطاهرات برمسجد  
 موصوف سابقا مشهور بمسجد امیر عماد الدین محمود الشروانی و قفقی صحیح  
 شرعی و حبسی صحیح دینی مشتمل بر جمیع ارکان شرعیه و ضوابط مرعیه و  
 شرایط دینیه من بیان المصارف علی وجه الشرع الشریف وشرط وقف مزبور  
 فرمود که مصارف مستغلات و اجارات وزراءات موقوفات مزبورات فی هذه  
 الوئیقه بدین وجه باشد علی سبیل التفصیل

ابت

### مختصر تحقیقات مدرس و طلبہ

ص	ص
طلبه	مدرس
٦ نفر	نفر
يوم	يوم
[١٨ دینار]	[١٦ دینار]
ابت	ابت

### خطبا و ائمه و حفاظ و غيره

ص	ص	ص
حفظ	امام	خطیب
[خواندہ نشد] خمس	درسحر و صبح و شام تلاوت کنند	درسال
سه نفر	يوم	
۳ دینار	۳ دینار	۱۰۳ شاهر خی

صحه	صحه	صحه
باب	فراش	مؤدن
نفر	نفر	اوقات خمس
يوم		نفران
٤ دینار	٤ دینار	٦ دینار
٤ دینار (٢٥ دینار)		

و واقف واقف مشارالیه اعلی الله تعالی شانه العالی عماماً محموداً، تولیت موقوفات محدودات موصوفات بذات شریف و نفس منیف خود تفویض فرمود تفویضی شرعی وبعد از حلول اجل او بارشد اولاد او واولاد اولاد او ذکوراً و انانا نسلا بعد نسل بطنا بعد بطنه عقباً بعد عقب الا [كذا] ماتناسلو و تعاقبوا وبعد از آن بهر کس از اولاد رجوع نماید متولی شرعی آن باشد الی ان يرث الله الارض و شرط وقف فرمود ... صاحب اعظم منبع الجود والكرم ..... خواجه کمال الدین حسین الحافظ الحساب مشرف و ناظر برین ... محصولات باشراف و نظارت او بمصارف دارالشفاء مذکور صرف شود وبعد از او باولاد او متعلق باشد شرصی صحیح شرعی و همچنین شرط فرمود که آنچه محصولات مستغلات این موقوفات باشدا لا عمارت موقوفات مزبورات و مسجد موقوف عليه و مصالح مسجد از روشنائی و فروش ... آنچه باقی مانند بخطیب معین و امام ... که در صلوات خمس امامت نمایدو بحفظ مذکوره ... و مؤدن و فراش مزبورین صرف نمایند بروجهی مسطور و آنچه از ایشان زیاده باشد بدستور مذکور بعد مدرس و طلبه صرف کنند و شرط فرمود که مدرس هرشش ماه طلبه را امتحان کند و عزل و نصب طلبه متعلق برآی شریف مدرس باشد و آنچه باقی مانند عشر آن بحق التولیه تصرف نماید و نصفی عشر بحق الاشراف و نظارت بخواجه کمال الدین حسین مذکور وبعد از آنچه باقی مانند خرج یک روز اهل علم و اهل صلاح فقرار که از اهل بدعت نباشند و در این مسجد نزول کنند نمایند و قضاً صحیحًا شرعیاً و تسپيلاً صریحًا نباید لازماً منجرًا مخلداً بحیث لا بیاع ولا یوهب ولا یرهن ولا یوجرا کثر من سنہ وبالظلمه والمتعلبه المتعديه و بعد ما رفت الفصل هذه من قوادمهما الی حوافیها و جواز الحكم الشرعی الینی الی

(۱) این قسمت نشان امیدهد که پدران ما تا چه حد برای آموختن علم اهمیت قابل

بوده اند

الحاكم الشرع الشريف النافذ حكمه المنيف اعلى الله تعالى شأنه العالى حكم بصحة ذلك كله من المطلع الى المقطع ومن المبداء الى المنتهى من الشرايط المرعية والاركان الدينية حكماً صحيحاً شرعاً حتماً جزماً مرعياً ملياً وقد كان ذلك في الثالث والعشرين من شهر رجب المرجب لسنة سبع وسبعين وثمانمائة الهجرة النبوية .

[خط ومهر واقف]

بموجبي كه مزبور گشته و منسوب اشهد فاشهد و ان العالم حرره بيمينه  
باين ضعيف شده اين ضعيف م [=والسلام]  
بدان معترفست و مقر و اين و قفيت  
از اين فقير صادر شده

[بروجه مسطور مستودع فيه [ محل مهر ]]

[سجل فتح الله بن عبد الملك]

بعد حمد الله الذي هو عباد من لا عباد له والصلوة على صاحب المقام المحمود الذي وعده ربها واعده وآله وصحبه مبني الشرع الذي لانسخ ولا نفاده فان الواقف المتصدق بالخير الخبير الكيس الكبير المزبور في الذكر المكتوب له تقبل الله منه حسناته وضاعف . . . . مبراته وفتح خزائن رحمته له ولا برح مصالح الجهميرو مناهج الامور منوطه من بوطه برأيه المبين وجزمه المتيين والثواب له ولزال عباد للطوايف من بين البريه محموداً بالعواطف السنية وذلك بالفضل من الله العزيز الكريم والمنة له واشهد بعلمه ما اسند اليه فيه الفقير فتح الله بن عبد الملك كتبه في خمس نسخ متحاویات .

[سجل دیگر]

خاص از بهر رضا ذوالجلال	وقف کرد آن واقف مومنی ایه
هست قول واقف فرخنده فال	آنچه مذکور آمده در این کتاب
حافظش باد اخد افی کل حال	از همه آفات و عاهات زمان
شاهد است بر قول آن نیکو خصال	این کمینه نیز چون دیگر شهود
حرره اضعف عباد الله ذی القوة المتین محمود بن علی همایون بن معین اصلاح الله	شانهم بالنبی و آله .

[سجل دیگر]

اشهدني الواقف المتصدق صاحب الهمم العوالى بنعمان اطلاق الكلم والعالى وكما قيل فعلا عmadالدين من مطلعه واضاء نجم الليل من مشرقه لازال

محموداً ... بما اضيف اليه و انا العبد المفترى الى رحمة الله الحافظ عبد الله بن فتح الله بن عبد الملك الواعظ ... كتبه متوكلاً على الله وجه في خمسة و نائق .

[سجل ديكغر]

الحمد لله الذي شرح بجميع الغلائق مناهج الدين احسن مشروع و وضع من قواعد الشرع ابين موضوع حمدأ يربو على قطرات الغمام و ينمو على مولدات بلا كمام والصلوة على المبعوث من جبال تهامه بالانوار التامة وعلى آله وخلفائه وبعد فان الله تعالى « اذا اراد الله الخير بعد من عباده هذه الى صلاح المعاش والمعاد وجعله في الخيرات سباق للعاملين و من جملة من ظهرت له هذه الحقيقة الواقف المتصدق المشار اليه في هذه الكتاب ... الى يوم القيام، ثم اقر بجميع ما عزى اليه فيه و اشهد على اعتراف العبد الخالص لله تعالى هبة الله بن علي والحمد لله تعالى .

[سجل ديكغر]

واقف المشار اليه در اين كتاب شريف عزيز لطيف مبارك خلدت ايام معدله و دولته بتمام آنچه در اين صحيفه صريحة مرعية ميمونه مسطور و مزبور شده اين فقير حقير ضعيف راگواه گردانيد و [خوانده نشد] ساخت كتبه محمد بن علي بن الحار .

مرحمة تكاثف [سجل ديكغر]

وكذا قول اصغر عباد الله الغنوي زين العابدين بن محمد بن علي حرره يسميه .

[سجل ديكغر]

اشهدني الواقف المشار اليه على مانسب الى نفسه الشريفه وانا العبد محمد بن علي بن حيدر بن حسن المعرى عفاء [كذا] الله عنه وفقه بمحمد والله اجمعين والسلام .

[سجل ديكغر]

بر مراتب مسطور و منهاج مشروح گواه شد بنده ضعيف مرتضى بن حسين بن محمد الحسيني [ محل مهر ]

[سجل ديكغر]

يشهد بما فيه العبد عبدالله بن علي بن مطهر الحسيني حرره يسميه .

[سجل دیگر]

فشهاده العبد الاقل حرره نصیر عبد السلام بن حسين [محل مهر]

[سجل دیگر]

الشاهد بما سطر في هذا الكتاب الشرعي وانا العبد الاقل معين بن تاج الدين مختص اصلاح الله تعالى [ محل مهر ]

[سجل دیگر]

بر مراتب مسطوره گواه شد على بن احمد بن حسين .

[سجل دیگر]

بر اقرار جناب [ خوانده نشد ] گواه است حسين بن معان بن على كافي .

[سجل دیگر]

يشهد بضمون هذا الكتاب العبد معين بن جمشيد بن مسعود حرره

[ خوانده نشد ]

[سجل دیگر]

الشاهد بما فيه العبد الضعيف النحيف ابواسحق بن حسين [ شايد: حبيب ]

[سجل دیگر]

بگواهی بنده سیدی على بن حاج ابراهيم قزوینی [ محل مهر ]

[سجل دیگر]

شهد بما فيه نادعلى [ خوانده نشد ] [ محل مهر ].

[سجل دیگر]

وانا على ذلك من الشاهدين [ خوانده نشد ] ابوسعده عفاله عنهم [ كذا ]

[سجل دیگر]

بگواهی العبد سیدی احمد بن سیدی على بن حاج ابراهيم .

[سجل دیگر]

جناب واقف متصدق مشار عليه ايده الله تعالى ظلال مرحمة بر موجب مسطور وقف فرمود حرره العبد محمد بن حسين بن على المتطيب [ خوانده نشد ] الله تعالى بعيوب سالفه وجعل يومه خيرا من امسه .

[سجل دیگر]

براين مراتب گواه شد [ خوانده نشد ]

[سجل ديگر]

بشهادت العبد الضعيف محمد بن عبدالعزيز بيد كلی [ محل مهر ]  
[سجل ديگر]

اشهدني الواقع المتصدق على ما نسب الى نفسه الشريفه وانا العبد  
كافى بن عبدالقائم بن على الحافظ عفاف الله عنه ذنوبه واصلح شأنه بمحمد وآل  
اجمعين .

[سجل ديگر]

شهادت كمال الدين بن شمس الدين كتبه محمد  
[سجل ديگر]

بشهادت العبد الضعيف فخر الدين على بن شرف اصلاح الله شأنه  
[سجل ديگر]

الشاهد بما فيه العبد عطا بن على نظر(٤)  
[سجل ديگر]

بشهادت العبد الضعيف درره عبدالصمد .  
[سجل ديگر]

بشهادت العبد عيدل بن حسين بن اسماعيل حرره يميته  
[سجل ديگر]  
[لدى]

بشهادت العبد الضعيف جمال الدين عزيز [خوانده نشد]  
[سجل ديگر]

بر اوراق مشروح و نهج مسطور گواه شد حسين بن عيدل بن حسين  
[خوانده نشد]  
[سجل ديگر]

اناشاهد بما فيه العبد الضعيف المحتاج الغنى نور على بن حاج كمال عفاف الله  
ذنوبهم .

[سجل ديگر]

بشهادت العبد الضعيف نور الدين امين محمد فائض  
[سجل ديگر]

يشهد بضمون الكتاب الضعيف طيب شاه بن على شاه حسين [خوانده نشد]

سچل دیگر

يشهادت العبد الضعيف محمود قوام الدين

بعد از سجلات فوق تعدادی سجلات دیگر ادامه دارد که در چند صفحه

[مکس برداری شده است]

سجل وقفاتہ دیگر ]

هو أعزى... ثبت أقرار الواقف المذكور ..... عندي حرره الحسين  
بن عبيدة الله بن محمد الطوسي حاكماً بصحته حامد البر به

[سجّل دیگر]

هو هو اعتراف الواقف المومي اليه فيه ثابت عندى بصريح نطقه كتبه  
لفقير عاي بن هبة الله بن علي حاكما بصحته

94

بعد از حمد بیعد وصلوہ تامه دائمه ایضاً وقف فرمود وتصدق نمود  
جناب دولت مآب وزارت ایاب سعادت انتساب واقف مشار الیه ضمن وهو  
الامیر الاعظم الاعظـم الـاـکـرـمـ الـلـوـاـنـقـ بـرـ بـرـهـ المـعـبـودـ عـمـادـ الدـوـلـهـ والـدـيـنـ مـحـمـودـ  
بنـ الـامـیرـ الـكـبـيرـ الـمـغـفـورـ السـعـیدـ اـمـیـرـ مـعـینـ الدـینـ شـبـلـیـ الشـرـوـانـیـ اـیـدـهـ اللهـ  
تعـالـیـ بـنـزـلـةـ الـخـیـرـاتـ وـرـحـمـ آـبـاـهـ الـکـبـیرـ بـنـیـلـ الـدـرـجـاتـ بـرـ هـسـبـنـ جـامـعـ مـحـدـودـ  
مـوـصـوفـ فـیـ الصـنـنـ آـنـچـهـ حـقـ طـلـقـ وـمـلـکـ صـحـیـحـ مـشـارـ الـیـهـ بـوـقـبـلـ صـدـورـهـذـاـ  
مـنـهـ مـلـکـاـ شـرـعـیـاـ مـنـ الـحـجـجـ النـاطـقـهـ وـمـنـ شـهـادـتـ الشـاهـدـینـ الـمـذـکـورـدـینـ  
فـیـ ذـیـلـ هـذـهـ الـوـثـیـقـهـ الـاـنـیـقـهـ وـآـنـ جـمـیـعـ مـقـصـبـهـ اـیـسـتـ مـعـمـورـهـ ثـابـتـهـ بـرـ حـافـینـ  
نـهـرـ مـزـرـعـهـ مـدـعـوـهـ دـوـلـتـ آـبـادـ مـنـ مـزارـعـ مـدـیـنـهـ کـاشـانـ صـانـهـ اللهـ تعـالـیـ عـنـ  
نوـائـبـ الـزـمـانـ وـاقـعـهـ بـرـ خـارـجـ درـبـ سـوقـ مـنـ درـوبـ مـدـیـنـهـ مـذـکـورـهـ مـسـاحـتـ  
آـنـ مـقـصـبـهـ پـاـنـصـدـ وـچـهـارـدـهـ ذـرـاعـ بـنـدـرـاعـ دـهـقـانـ مـحـدـودـهـ بـزـمـینـ مشـهـورـهـ بـدـرـ  
هـنـدـوـیـانـ وـ زـمـینـ خـواـجـهـ شـرـفـ الـدـینـ سـیـدـیـ عـلـیـ القـزوـینـیـ وـ زـمـینـ مـرـتـضـیـ  
اعـظـمـ سـیـدـ جـلـالـ الدـینـ مـرـتـضـیـ بـنـ سـیـدـ کـمـالـ الدـینـ حـسـینـ وـ زـمـینـ صـاحـبـ الـاعـظـمـ  
شـاهـ اـبـوـ اـسـحـاقـ وـ زـمـینـ وـقـفـ مـعـینـهـ اـمـیـرـ مـرـحـومـ طـوـبـیـ [ـمـقـامـ]ـ وـ زـمـینـ وـقـفـ مـدـرـسـةـ  
صـاحـبـ اـعـظـمـ سـعـیدـ مـغـفـورـ خـواـجـهـ مـعـینـ الدـینـ أـحـمـدـ وـ بـزـمـینـ وـرـثـةـ جـنـابـ شـرـیـعتـ  
شـعـارـ مـغـفـرـتـ آـتـارـ قـاضـیـ نـظـامـ الدـینـ مـحـمـودـ وـ زـمـینـ خـواـجـهـ شـرـفـ الدـینـ سـیـدـیـ عـلـیـ  
مـذـکـورـوـ بـزـمـینـ سـیـدـ جـلـالـ الدـینـ مـرـتـضـیـ مـذـکـورـوـ زـمـینـ وـرـثـةـ خـواـجـهـ کـمـالـ

محمد درویش و زمین سید جلال الدین مرتضی مشارالیه و زمین خالصه دیوانی  
 و زمین خواجه شرف الدین سیدی علی مذکور و زمین وقف مشهد یحیا باد و  
 زمین ورثه قاضی نظام الدین مذکور و زمین خالصه دیوانی و زمین خواجه  
 شرف الدین سیدی علی مذکور و زمین ورثه خواجه احمد امیر مرتضی و زمین جناب  
 دولت ماب امیر عماد الدین محمود الشروانی واقف و زمین سید فخر الدین  
 بن سید مطهر و زمین خواجه حسن آرانی و اراضی یحیا باد و بشارع با جمیع  
 توابع ولو احق و يتعلق بها شرعا وفقاً صحیحاً شرعاً و تسبیلاً صریحاً دینیاً  
 مشتملاً على الارکان الشرعیه والشرایط الدينه المرعیة المزبوره المشروحة  
 في الضمن بلا تغییر و تبدل و زيادة و نقصان مقر ونا بالحکم الشرعی من له  
 ذلك شرعاً و كان ذلك في الثامن من شهر شعبان العظيم سنہ سبع و سبعين  
 و ثمان مائے الهجرة النبویه

آنچه در این کتاب شرعی مندرج [سجل]  
 گشته فوقاً تحتنا ازاين ضعيف شهد بضمونه فتح الله بن عبد الملك  
 صادر شده و بدآن معترف است  
 ... محمود...

[سجل دیگر]

یشهد بضمونه اضعف عباد الله العالی علی بن محمد بن عبدالرازاق  
 الكاشی حرره بیمه

[وقنامه دیگر]

هو

بعد ذلك وقف نموذج واقف مذكور جزء الله خيراً بر مسجد جامع محدود  
 موصوف في الضمن وخانقاه قربة الله تعالى همگی نصفی شائع از عصارخانه واقعه  
 بمدينة الاسلام کاشان بیقهه شش تن بحدستان مدرسه خان و بحدسراي ورثه -  
 المرتضى الا کرم مرحوم السيد نظام الدین من الجانبین و بحدشارع والیه المدخل  
 والمخرج باهمه توابع ولو احق و منسوبات از کافه خان و از آلات و اسباب  
 خشبيه و حجريه و حديديه وغير ذلك و همگی حصه بحق چهارده شباني وز از اصل  
 شانزده شباني وز مجموع شباني وز از الات و اسباب از مزرعه مدعوه دولت اباد  
 از مزارع حوالي مدینه کاشان بحد اراضی یحیا باد و بحد مزرعه نصر آباد

آتني ذكرها وبعد قرية باشرة مدعوة هراسكان وبعد بوار مزرعة محمود آباد وشرط فرمود که حاصل موقوفات مذکوره را از عصار خانه ومزرعه مذکوره بعد از تعمیر رقبات موقوفه وخرج عمارت وتقديم مصالح مذکوره آن وحق العشر متولی و نصف عشر مشرف بروجه مشروحة في الضمن بلا تغير وتبدل وزيادة ونقصان صرف نماید . و كان ذلك في الثاني عشر من رمضان المبارك لسن سبع و سبعين و تمان مائه الهجرة النبویه .

[سجل]

بنده ضعیف محمد بن علی

.... مذکوره گواهی ....

العبد المفتقر الى الله تعالى

هبة الله بن علی العر

[ تعدادی سجل دیگر ]

[ وقفناهه دیگر ]

[سجل]

ثبت اقرار الواقف المذکور عندي  
حرره الحسين عبیدالله بن محمد  
عندي بصر يبح نطقه ما فيه كتبه الفقير  
الطوسی حاکماً بصحته حامداً لربه  
هو المستعان الحمد لله الذي آمهد قواعد الملة بعماد الدين والسلام  
والصلوة على سیدنا محمد المحمود بالمن .. الموعد بأکرم عز و اشرف  
مقام و آله واصحابه البرهان الفراتکرام ما کراللیالی والا یام

اما بعد چون عالیجناب دولت مآب وزارت ایاب سعادت انتساب واقف  
مومی اليه الضمن جزاء الله خیرا از بناء مسجد مذکور ووقف کردن موقوفات  
مذکوره آن توفیق سبحانی والهمام رباني بناء خانقاہ واقعه بجذاء مسجد  
مذکور بر جانبین مسجد ودر ازاء آن عمارت وقت وساعت بنانهاد که از  
مخترعات ذهن وقاد جناب فضائل بناء افتخار العلماء المحققین اعتضاد الحکماء  
المتألهین مولانا فخر الدین علی بن الصدر السعید التخواجه شمس الدین محمد  
الکاشی است و چندین صنع حکمت در آن تعییه نموده که هر یک از آن فنی از فنون  
خبیه اسرار حکماء سالف است و دال بر صفاء قریحه وقادو خاطر نقاد مولانا  
مشاریلیه است ولاریب که عمارت مذکوره مساکن علماء فقرا و منازل اتفیاء

وفایا اصیای است و متضمن تفريع خواطر همگنان و تفرج ناظران است.....  
 خالصه واقف مذکور وقف کرد همگی خانقاہ مذکوره مذبوره [کذا] را و  
 همگی عمارت وقت و ساعت را و شرط فرمود که فقرا و ارباب تصوف و اهل  
 تقوی و پیران کامل و جوانان باطاعت در آن خانقاہ ساکن شوند و قرباً و آینده و  
 رونده اهل اسلام که نه از اهل بدعت باشند نازل گردند و واقف مذکور وقف  
 کرد برخانقاہ مذکور و بر عمارت وقت و ساعت مذکوره که قریب [شاید] :  
 قرینه [خانقاہ مذکوره است همگی حصة کامله بحق نصف تمام از مجموع قنات  
 مزرعه نصر آباد البلد از مزارع حوالی مدینه کاشان محدوده بعد مزرعه یحیا باد  
 و بعد مزرعه دولتا باد مذکوره وبعد جاده بید گل وبعد مزرعه جاپاسان و  
 همگی حصه بحق دوشبان روز از اصل بیست و هفت شبان روز مجموع شبان روزات  
 قنات مزرعه مهندب آباد از مزارع حوالی مدینه کاشان بعد مزرعه نصر آباد  
 و جاده بید گل وبعد [خوانده نشد] مزرعه صالح آباد وجاده انوشاباد وبعد  
 مزرعه جاپاسان باقطعات اراضی واقعه بمزرعه مذکوره معینه معلومه مفصله در  
 بیست و چهار فصل والتفصیل هذا بذراع دهقان .  
 ( یکصد و یازده ) جریب

#### قطه

زمین شاهانی کنار راه بید گل بعد جاده زمین شاب شاهانی بعد زمین وقف و  
 بید گل و بعد زمین امیر علی قطب الدین وبعد زمین ورثه سید قوام الدین و بعد  
 زمین عزال الدین علاف و زمین جاپاسان ۶۰۰ جریب .

۶ جریب .

#### قطه

زمین بعد خوگاه و حوض و مسجد و زمین بعد زمین عزال الدین علاف و زمین  
 ورثه خواجه معین الدین و بعد زمین احمد و بعد زمین عزال الدین علاف وبعد  
 شارع ۳ جریب .

#### قطه

زمین بعد زمین امیر علی قطب الدین زمین بعد زمین دیوانی و بعد زمین

و بحد زمين خالصه شريقه و بحد زمين  
وقف ٣ جريرب.  
عزالدين علاف وزمين وقف و بحد زمين  
وقف مدرسه خواجه معين الدين احمد  
و بحد زمين عزالدين مذكور ٥ جريرب.

قطعة ٤ قطعة ٤  
لته ميدان بحد زمين وقف و بحد زمين  
وقف مدرسه خواجه معين الدين احمد  
مذكور وشارع و بحد زمين عزالدين  
علاف و بحد زمين مدرسه مذكوره ايضا  
٥ جريرب قاضى نظام الدين محمود ٥ جريرب  
قطعة ٤ قطعة ٤

زمين ميدان بحد زمين وقف مدرسه  
خواجه معين الدين احمد و بحد زمين  
خواجه احمد و بحد زمين عزالدين علاف  
و بحد شارع وجاده بوزيد آباد ٣ جريرب  
جر بيان

قطعة ٤ قطعة ٤  
زمين گارس زار بحد زمين وقف و زقين  
امير على جمال و بحد زمين وقف خواجه  
معين الدين احمد مذكور و بحد زمين  
خواجه احمد و بحد زمين عزالدين علاف  
٣ جريرب ٥ جريرب

قطعة ٤ قطعة ٤  
زمين مدعوه درلت سلطان بحد زمين  
وقف معين ومسجدى وزمين عزالدين  
علاف و بحد زمين وقف مدرسه خواجه  
معين الدين احمد و بحد زمين عزالدين  
علاف مذكور ٤ جريرب ٤ جريرب

قطعه

زمین کنار چاله لوغستان بعد زمین  
عز الدین علاف وبعد زمین وقف وبعد  
زمین ورثه امیر علی جمال و خواجه  
احمد و بعد زمین وقف مسجدی و  
معین ۴ جریب

قطعه

زمین در گنبد حوض ايضاً بعد زمین وقف  
و زمین دیوانی وبعد زمین ورثه سید  
قوام الدین شاهمیر وبعد زمین خواجه  
عز الدین علاف و زمین دیوانی و زمین  
کمال عبدالله ۵ جریب

قطعه

زمین درست بعد زمین دیوانی وبعد  
بوار وبعد زمین عز الدین علاف وبعد  
زمین ورثه سید قوام الدین شاهمیر  
عز الدین مذکور وبعد زمین قاضی  
عمر تحقیقات فرهنگی ۱۰ جریب ۳

قطعه

زمین چشم ابر و ايضاً بعد زمین وقف  
خواجه عمام الدین وبعد زمین عز الدین  
علاف وبعد جاده بیدگل ۴ جریب  
مذکور ۶ جریب

قطعه

زمین مدعوه ... کنار راه بیدگل و زمین  
امیر علی جمال عدل وبعد اراضی  
مزروعه وبعد جاده بیدگل ۱۱ جریب  
جاده بیدگل ۴ جریب

با جمیع توابع ولو احق و مضایفات و منسوبات از آباد و انبار و سواقی و منابع و مظاهر و شرب و مشارب و حریم و سقوف و سطوح و بنادران و حیطان و مجاری و مداخل و مخارج و سایر حقوق و مرافق قدیمه و حدیثه ما ذکر اولم یند کر کتب اولم یکتب و ایضا وقف نمود واقف مومی الیه بقیه دکاکین واقعه بدینه مذکوره بمیدان جدید که در جنب وقت و ساعت مذکور واقع اند بال تمام و طاخونه واقعه بقریه فین من قرع مدینه مذکوره که واقف مشارالیه آنرا احداث نموده مستغنى از حدود لغايت شهر و ایضا وقف نمود واقف مومی الیه دوشبان روز از جمله بیست و هفت شبان روزات قنات مزرعه مهذب آباد را از مزارع کاشان محدود بحدود ماضیه بر عمارت دارالشفای مزبوره وقفی صحیح شرعی مخلد موبد و واقف مذکور شرط کرد که تولیت موقوفات مذکوره بر خانقاہ و عمارت وقت و ساعت مذکوره از آن نفس شریف وی باشد و بعد از وی از آن ارشد اولاد وی و اولاد اولادی ذکور و انانا بطننا بعد بطن وعقبا بعد عقب و بعد از آن بهر کس که اولاد رجوع نماید متولی شرعی او باشد و ایضا شرط فرمود که محصول موقوفات مذکوره را اولاً صرف عمارت رقبات موقوفه و خانقاہ مذکور و عمارت وقت و ساعت و اسباب و آلات و ادوات آن نماید حسب الضروره و آنچه از عمارت دارالشفای مذکوره باقی ماند متولی عشران را بحق التویه در مصالح خود صرف کند و از مابقی هر روزه در مطبع خانقاہ مذکور ده من آرد باش و نان طبخ کند و اطعام فقرا و مساکن و ابناء سبیل نمایند و شرط نمود که اصلاح اسباب و ادوات موضوعه در عمارت وقت و ساعت مذکوره برأی شریف مولانا فخر الدین علی منجم مذکور متعلق باشد و بعد از وی باعلم اولاد و اقرباء وی که عالم باشند باصلاح آن بنوعی که دایر باشد و اگر از اقرباء و اولاد او کسی نباشد که عارف باشد باصلاح آن، بحیثیتی که دایر شود اصلاح کردن آن متعلق باشد بشخصی از جانب مولانا مشارالیه که عارف باشد باصلاح آن و هر روز از موقوفات خانقاہ وقت و ساعت مذکوره دوازده دینار عراقی بمولانا فخر الدین مذکور دهنده و بعد از وی باعلم اولاد و اقرباء وی بشرط آنکه قیام نمایند باصلاح ادوات مذکوره بنوعی که تمام آن جاری و دایر باشد و بعد از آن هر که عالم باین علم باشد متولی بدو رجوع نماید و نیز شرط فرمود که فراشی در وقت و ساعت باشد که آنرا جاروب زند و بقدر

احتجاج آب بآن نقل نماید وهر روز از موقوفات مذکوره دودینار عراقی او را باشد وهمچنین شرط فرمود که جناب صاحب اعظم قدوة الامام جد خواجه کمال الدین حسین حافظ الحساب مشرف وناظر برین موقوفات مذکورات باشد وبوقوف او بمصرف مذکور صرف شود وبعد ..... بحق الاشراف وحق النظاره او واولاد او برساند برین موجب وقف نمود و باتصرف وقف داد ، وقفی صحيح القواعد والارکان مؤسس البنيان وقفی موبد لا يباع ولا يوهب ولا يورث ولا يرعن ولا يوجرا كثر من سنة وبالظلمة والمقلبة المتعدية ولا يملك بوجه من الوجه و سبب من الاسباب الى ان يرث الله الارض ومن عليها وهو خير الوارثين قربة الله تعالى و طلبا لمرضاته وهر بـا من اليم عقا به هر آفریده اذ صواحب عظام واکابر کرام وسدات واهالی ذوالاحترام که در ابطال این حسنی ساعی گردد در لعنت وسخط وغضب باری عز شانه بوده يوم لا ينفع الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ورافعه او نزد اعدل العادلين باشد و بخدلان ابد مخدول بوده و در روی مبارک حضرت رسالت پناهی شرمنده ودر روز آخرة خائب وخاسر نویذ بالله بن خزی الدنيا وعداب الآخره بحکم آیه شریفه فمن بدلہ بعدما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم وبحکم حدیث طیبه رسول صلی الله علیه وآلہ وسلم ... من ... فعلیه لعنة الله والملائکه ...

وذلك في الخامس عشر من شهر ذي القعده الحرام سنة سبع وسبعين وثمانين مائة من الهجره النبویه بر اقرار واقف مومنی اليه من المطلع الى المقطع گواه شد .. نورالله بن کریم الدین

[سجل دیگر]

الشاهد بما سطر في هذه الاوراق الشرعي من اوله الى (آخره) ....  
 کمال الدین بن محمد .. بن ....

[سجل دیگر]

واقف مشار اليه درین کتاب شریف عزیز لطیف مبارک خلدت ایام معتمله و دولته ... آنچه در این صحیفه شرعیه میمونه مسطور و مذکور شده من الابتداء الى الانتها این فقیر ضعیف را گواه گردانید و مشرف (?) ساخت کتبه محمد بن علی الحسینی .

[و چند سجل دیگر]

## اثار تاریخی مسجد میرعماد

۱- سر در مسجد میرعماد - کتیبه تاریخی مسجد که در قسمت راست سر در بخط نثار منقول است شامل جملات ذیل میباشد .

وَلِلَّهِ الْعَظِيمُهُ وَالْكَبِيرُ يَا وَلَا إِلَهَ سُواهُ اتَّفَقَ هَذَا بَنَاءُ الْجَامِعِ تَقْرِبًا إِلَى اللَّهِ فِي أَيَّامِ دُولَتِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْخَوَاقِينِ فِي الْعَالَمِ الْمُنْظَورِ بِإِنْظَارِ عَوَاطِفِ اللَّهِ مَعْزَلَ الدِّينِ وَالدِّينِ أَبُو الْمَظْفَرِ جَهَانْشَاهِ خَلِيلِ اللَّهِ مَلِكِهِ وَسُلْطَانِهِ وَالْحَرَمِ الشَّرِيفِ الْعَلِيِّ أَيَّدَ اللَّهُ مَلِكَتَهُمَا الْمُوْفَقُ بِالْتَّوْفِيقِ السَّبْحَانِيِّ عَمَادَ الدِّينِ مُحَمَّدَ الشَّيْرَوَانِيِّ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي أَدْوَارِ الْحَيَاةِ وَاجْتَهَادَهُ فِي مَرْضَاتِهِ سَنَةِ ثَمَانِ وَسَتِينِ وَنَمَانِمَائِهِ ۸۶۸

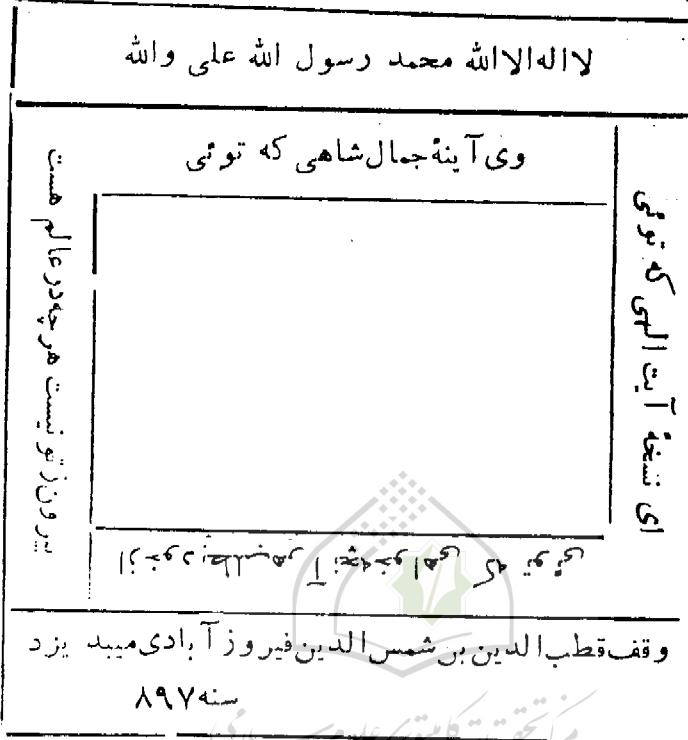
کتیبه سمت چپ سر در که قرینه کتیبه سمت راست است کتیبه مذکور نیز گچی بوده و آیات قرآن بر آن منقول است و آخر کتیبه تاریخ ۱۱۲۳ را نشان می دهد که شاید در این تاریخ تعمیر گردیده و در زیر کتیبه فوق الذکر کتیبه ای بخط نثار که فرمان ابوالمظفر جهانشاه میباشد بدین شرح بر روی سنگ نقر است .

## کتیبه سنگی شامل فرمان ابوالمظفر جهانشاه بهادرخان

بتأیید سبحانی فرمان عالم مطاع سلطانی الاعظم و خاقان الاکرم مالک رقاب الامم ظلله الرحمه ابوالمظفر جهانشاه بهادرخان و حکم حضرت عصمت پناه و سلطنت شمار و عفت دثار بیگم خلدالله سلطنتها و ابد مملکتها نافذ شد که اجناس منال خالصه شریفه و مظفری و قاضی نظام و نصر آباد سرپشت که داخل جمع ابواب المال کاشانند از گندم و جو و کلوذه و پنبه و باقلاء و زیره و ذرت و گاورس و کنجد و نخود و بادام و مویزو دوشاب و خضرویات و غیر ذلك بر عایا کاشان بطرح ندهند و هر چه فروشنده از نرخ روز زیاده نفوشنده و بتسعیر وقت دهنده و آنچه حاصل شود سود داخل جمع نمایند و بدین علت معارض و مزاحم رعایا و متواتنان و سکان آنجا نشوند فرزندان دولتیار و امراء کامکار و فقههم الله للسعادات تغیرات عارفه نکنند و نیز از فرموده تجاوز ننمایند و خلاف کننده در لعنت خدا و رسول و ملائکه باشد فقد باء با نمه و غضب رب علیه . به اهتمام امیر عماد الدین شیروانی

بحصول پیوست کتبه بعمارته فی ٨٩٩  
آثار داخل مسجد میرعماد

کتبه ای از کاشی معرق بدیوار راهرو داخلی مسجد نصب است که بخط زیبا نوشته شده و عین نقشه آن ذیلاً منعکس میگردد.



### آثار فیروز آبادی

بردیوارها تایک مترا تمام‌کاشی‌های شش ضلعی به رنگ‌های فیروزه‌ای و بنفس نصب است و دریک قسمت این مسجد منبری است که با گچ و آجر بنا گردیده و اطراف آن با نهایت استادی از کاشیهای معرق زینت شده است و در بدنه این منبر با خط زیبا و به رنگ طلائی نوشته شده «فی ایام دولت السلطان الاعظمه و خاقان الافخم الکرم غیاث الدین والدین سلطان ابوسعید گور کان خلد ملکه و سلطانه - عمل حیدر کاشی تراش».

در این مسجد نیز دارای تاریخ ۱۱۲۳ میباشد.

فرمان شاه ط ماسب اول روی سنگ طرف راست درب ورودی فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون همیشه توجه خاطر اشرف مصروف آنست که کافه برایا و عموم رعایا در مهد امن و امان و مامن فراغت

واطمینان آسوده حال وفارغ البال بوده از روی فراغت بumarat وzrāt و  
 آبادانی قیام نمایند لهذا شفت شاهانه شامل حال وکافل آمال عموم شیعیان  
 دارالمؤمنین کاشان فرموده مال ودکاین ومحترفه عن بقالی و بیوت النحل  
 و مواسی ومراعی آنجا را عن بلده فین و رهق پیچ نیل بتخفیف و تصدق  
 مقرر فرموده نواب آنرا با رواح مطهره حضرات چهارده معصوم صلوات الله  
 علیهم اجمعین هدیه نمودم سادات وارباب واهالی واعیان واعالی و جمهور  
 سکنه ودارالمؤمنین مذکور من کل الوجوه مستظرم ومستمال ومستونق و  
 امیدوار بوده ودر تکثیر عمارت وذراعت وآبادانی ودعاؤی دوام دولت  
 ابد مقررون کوشند ورقم این عطیه را مؤکد بلغت نامه برستن نقش کرده بر  
 درمسجد جامع در محل مرتفع که منظور نظر عموم خلائق باشد نصب نمایند  
 عمال ومتصدیان مهمات دیوانی بلدان المؤمنین مذکور برای نموج مقرر داشته  
 من بعد بدین علمت اطلاق وحوالتی بر رعایا وعجزه ننمایند حکام و تیولداران  
 وارباب سیر رغالات و مسلمیات آنجا آنچه از این ابواب به تیول و سیور غال  
 ایشان مقرر باشد باطل دانسته بدان علمت طلبی نکنند و تغییر کننده را از  
 مردوان درگاه شاهی دانند و هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریر آ روز شنبه  
 دهم شهر رمضان المبارک قوی نیل سنه تسعم وسبعين وتسعمائه .

## کتبیه آنچه برای سر در مسجد طرف چپ

ماکان علی النبی من حرج فيما فرض اللہ لسنۃ اللہ فی الدین خلومن قبل  
 وکان امر اللہ قدرأ مقدوراً الذین یبلغون رسالات اللہ ویخشوونه ولا یخشون  
 احداً الا اللہ وکفی بالله حسیناً . ماکان محمد ابا الحد من رجالکم ولكن  
 رسول اللہ خاتم النبین وکان اللہ بكل شی علیما . یا ایها الذین آمنوا اذ کرو اللہ  
 ذکرً اکثیرً . وسبحوه بکرة واصيلاً

فرمان شاه عباس کبیر بر قطعه سنگ بطول و عرض  $70 \times 50$   
 سانتیمتر در طرف دست راست سر در قسمت پائین پایه جنب بازار  
 الملک اللہ فرمان همایون شد آنکه ازا ابتداء بارس نیل مال یکماهه رمضان  
 المبارک محال شیعه بلده وبلوکات دارالاومین کاشان بتخفیف وتصدق مقرر

(۱) ( اذسوة احزاب آیه ۴۲ الی ۳۸ )

شده و رقم اشرف بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه اثنی و عشرين والف عز  
 صدور یافت و در اینولا چون از ابتداء توشقان ئیل مالوجهات و وجوهات  
 یکماهه رمضان محل شیعه ممالک محروسه راسوی جهاتی که با جاره میدهند  
 بتخفیف و تصدق مقرر داشتیم ارباب و دعا با و عجزه دارالمؤمنین مذکور  
 استدعای حکم امضاء بضمونیکه در باب سایر محل شیعه گذشته نمودند  
 بنابراین مقرر فرمودیم که مستوفیان عظام گرام دیوان اعلی در سنه بارس-  
 ئیل مال یکماهه رمضان محل شیعه دارالمؤمنین مذکور را بدستور یکه قبل  
 از این رقم اشرف عز صدور یافت بتخفیف و تصدق اعتبار نمایند و از ابتداء  
 توشقان ئیل مالوجهات و وجوهات ایشان را ضمن رسید شهر رمضان المبارک  
 سوی جهاتیکه با جاره میدهند بدستور سایر محل شیعه ممالک محروسه  
 بتخفیف و تصدق مقرر دانند و رقم این عطیه را در درفاتر ثبت نموده و تغییر و  
 تبدیل بقواعد آن راه ندهند و آنچه بتیول و مواجب همه ساله مقرر است  
 تیول تیولداران و مواجب همه ساله بر طرف دانند و آنچه بتیول و مواجب همه  
 ساله مقرر است و از دیوان حواله میشود رسید یکماهه مزبور راسال بسال  
 کم نموده تمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند تیولداران الگاء م-ز بور  
 حسب المسطور مقرر دانسته شد یکماهه مزبور را از تیول خود بر طرف  
 دانسته طلبی از رعایا ننمایند وزیر و کلاسی و کدخدایان الگاء مذکور  
 تخفیف رسیدا گردر [خوانده نشد] میان شیعیان بوده باشد یا مردم محلی از  
 محل آنجا [خوانده نشد] بوده رسید با ایشان تخفیف داده نمیشود نسخه درست  
 داشته بدقتر خانه همایون فرستند که مستوفیان عظام در درفاتر دیوان اعلی عمل  
 نمایند و دانسته باشند که اگر پوشیده و نهانی کرده باشند در دیوان [خوانده نشد]  
 باز خواست خواهد شد [خوانده نشد] و در خدمت حضرت امیر المؤمنین و امام  
 المتین اسدالله الغالب شرمنده خواهد بود تغییر کننده مذکور بلعنت و نفرین  
 حضرت رسالت پناه گرفتار میگردد [خوانده نشد] بدین عطا یا مسرور بوده  
 و در دعا گوئی و در دوام دولت [خوانده نشد]

(فرمان شاه عباس کبیر بر قطعه سنگ بطول و عرض  $70 \times 40$   
 سانیمتر اپایه طرف راست سر درجه ب بازار که بالای فرمان  
 مذکور نصب است)

فرمان همایون انکه چون پیوسته خاطر فیض مآثر مصروفست بر فاه حال و

فراغ بال عجزه و مساکین و عامه مسلمین بنا بر این از ابتداء تو شقال تیل مبلغ چهل تومان تبریزی جمع دلالی دارالمومنین کاشان را که داخل وجوه مقطعيست بتخفيف و تصدق مقرد فرموديم که من بعد بدان علت اطلاق وحوالتى نشود بنا بر اين کلانتر وعمال و متصدیان مهمات دیوانی کاشان حسب المسطور مقرر داشته اين حکم هما یونرا نقش کرده بر جای بلند در در مسجد نصب گنند مستوفیان عظام دیوان اعلى هرساله مبلغ مذکور را از جمله وجوه مقطعي بخرج مجری دارند و بدان علت حواله و اطلاقی نکنند درین باب قدغن داشته واز فرموده در نگذرند و هرساله حکم مجدد نطلبند و خلاف گنده را مورد لعنت واز مردودان در تگاه شناسند تحریراً فی شهر ذی الحرام سنه ۹۹۹

تمت

که بردهر بادش مدام اختیار  
کند خلعت اقتدار افتخار  
که تا حشر بادش بقا برقرار  
بدل تاجران را اذ آن صد غبار  
که با فرع او بود صد گیر و دار  
وزاو ماند اين تا ابد يادگار

در درج اقبال مختار ییک  
فلک اقتدائی که بر قامتش  
هیین بس که شاهنشه کامبخش  
زدلالي ملك کاشان که بود  
بجهد وی از جل نمن اصل مال  
گندشت و با گه بلعنت گندشت

مرکز تحقیقات کمپویز علوم رسانی

الله رب العالمين والحمد لله رب العالمين

أَعْلَمُ بِإِيمَانِ الْمُؤْمِنِ مَنْ يَقْرَئُ آيَاتِ الرَّحْمَنِ